

بررسی تطبیقی اخبار مرتبط با تروریسم در پایگاه‌های خبری بخش فارسی صدای آمریکا و ایرنا طی سال‌های ۲۰۰۲-۲۰۰۷ میلادی

نویسنده

بهنام رضاقلی‌زاده*
سید محمد دادگران
کریم علیپور

چکیده

تحقیق حاضر اخبار مرتبط با تروریسم در پایگاه‌های «خبرگزاری جمهوری اسلامی» و «بخش فارسی صدای آمریکا» به‌طور تطبیقی بررسی می‌کند. مسئله اصلی این است که این دو پایگاه-متعلق به دو نظام سیاسی متفاوت و دارای خط‌مشی‌های متفاوتی هستند که به نظر می‌رسد جبهه‌گیری متفاوتی نیز نسبت به موضوع تروریسم، بانیان و قربانیان آن نشان دهند.

برای بررسی این موضوع از روش تحلیل محتوا استفاده شده است. خلاصه یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که پایگاه‌های ایرنا و صدای آمریکا، با وجود اعلام نفرت از تروریسم و محکوم کردن آن، در مورد مفهوم، ماهیت، مصادیق، جغرافیای ترور و حتی راهکار مبارزه با آن اختلاف‌نظر دارند. این دو رسانه با وجود آنکه تروریسم را اساساً پدیده‌ای سیاسی تصور می‌کنند، بخش فارسی صدای آمریکا، آن را پدیده‌ای مذهبی هم مدنظر قرار می‌دهد. بیشترین رویدادهای تروریستی گزارش‌شده از جوامع توسعه‌یافته و کشورهای درحال توسعه در دوره مورد بررسی نشان‌دهنده عدم ارتباط منطقی میان رویداد تروریستی در یک منطقه و نوع نظام حکومتی است؛ هرچند که گفته می‌شود تروریسم به صورت تصادفی در جهان پراکنده نیست.

کلیدواژه: تروریسم، برجسته‌سازی رسانه‌ای، خبرگزاری ایرنا، بخش فارسی صدای آمریکا.

* کارشناس ارشد مدیریت رسانه brezagholizadeh@yahoo.com

** عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز mohammad_dadgaran@yahoo.com

*** کارشناس ارشد مدیریت رسانه karim alipoor@yahoo.com

طرح مسئله

رسانه‌ها جزء لازم زندگی فردی و جمعی هستند و به صورت بخش اصلی و مرکزی صحنه سیاسی درآمده‌اند. از این نظر، تبلیغات سیاسی با روش‌های قبلی کار بیهوده‌ای است (دفلور و دنیس، ۱۳۸۳). به نظر می‌رسد در این برهه زمانی، رسانه‌ها بیش از هر زمان دیگری تحت تأثیر اهداف سیاسی - اقتصادی و منافع خاص گروهی و قدرت‌طلبی‌ها قرار دارند (بروجردی علوی، ۱۳۸۰). به این نحو رویدادهایی وجود دارند که از ارزش خبری برخوردارند، ولی برای مخاطبان مهم تلقی نمی‌شوند. گاهی هم تکرار به اندازه‌ای است که رویداد مورد نظر وجهه خبری خود را از دست می‌دهد و جنبه تبلیغی پیدا می‌کند. بنابراین، مسائل و مشکلاتی که در رسانه‌ها مورد تأکید قرار گرفته، ممکن است همان‌هایی نباشند که در واقعیت بارز است؛ در این صورت، تشخیص واقعیت از تبلیغات مشکل می‌شود (سورین و تانکارد، ۱۳۸۱).

بر اساس «نظریه برجسته‌سازی» رسانه‌های جمعی توجه را به موضوعات خاصی سوق می‌دهند؛ آن‌ها از چهره‌های سیاسی تصاویر عمومی می‌سازند و همواره موضوعاتی را مطرح می‌کنند که افکار عمومی ناگزیر راجع به آن‌ها باید فکر کنند (سورین و تانکارد، ۱۳۸۱).

یکی از مسائلی که در عصر کنونی به صورت برجسته‌ای، هم در صحنه بین‌المللی و هم در عرصه داخلی کشورها و به تبع آن، در عرصه رسانه‌ها مطرح است، موضوع تروریسم است. بحث تروریسم پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱م. و حمله به برج‌های دوقلوی آمریکا، ابعاد جدیدی به خود گرفت. با صدور اعلامیه جهانی مبارزه با تروریسم و متهم شدن برخی کشورها به عنوان «محور شرارت» از سوی دولتمردان کاخ سفید، سیاست‌های جدید رسانه‌ای نیز در دستور کار قرار گرفت.

از آنجا که رسانه‌ها در هر کشوری دارای دیدگاه‌های متفاوتی به فراخور موقعیت‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی هستند، طبعاً در قبال مسئله تروریسم نیز جبهه‌گیری‌های متفاوتی نسبت به بانیان و قربانیان آن از خود نشان می‌دهند. شاید دو کشوری که در قبال ریشه‌های شکل‌گیری تروریسم، عوامل ترور و راهکارهای مقابله با آن اختلاف نظر دارند، جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا باشند. بنابراین، به منظور بررسی بیشتر موضوع، دو رسانه‌ای که برای تحقیق و مطالعه انتخاب شدند، پایگاه‌های خبری ایرنا (خبرگزاری رسمی جمهوری اسلامی ایران (IRNA) و سرویس فارسی صدای آمریکا (VOA Persian) - وابسته به دولت ایالات متحده آمریکا- بودند؛ زیرا هریک طبق خط‌مشی‌های خاص خود و از زاویه‌ای ویژه به مسئله تروریسم می‌پردازند.

بنابراین تحقیق حاضر سعی در کشف چگونگی پرداخت دو پایگاه خبری نسبت به یک موضوع مشترک در یک مقطع زمانی یکسان را دارد تا تفاوت‌های دو رسانه را پیرامون مسئله تروریسم شناسایی و بررسی کند.

روش انجام تحقیق، روش تحلیل محتواست. گردآوری اطلاعات در این پژوهش با استفاده از دستورالعمل کدگذاری متغیرها صورت می‌گیرد؛ بدین صورت که متغیرها تعریف عملیاتی می‌گردند، به رده‌هایی تقسیم می‌شوند و در قالب دستورالعمل، کدگذاری خواهند شد. جامعه آماری این پژوهش، شش سال اخبار مرتبط با تروریسم در پایگاه‌های ایرنا و صدای آمریکا است. روش نمونه‌گیری به صورت نمونه‌گیری نظام‌مند است؛ بدین معنا که از هر سال، یک هفته به عنوان نمونه انتخاب شده است. روش نمونه‌گیری نیز بدین صورت است که همه اخبار تروریسم در دو پایگاه مورد بررسی، از ۱۱ تا ۱۸ سپتامبر همان سال انتخاب شده است.

آثار و تحقیقات در باره تروریسم

در مورد تروریست‌ها و سازمان‌های تروریستی، در خارج از کشور مطالعات موردی فراوانی انجام شده است. در یکی از مطالعات انجام‌شده که به عنوان مرجع، مراجعه زیادی به آن صورت گرفته، تحقیقاتی است که ویلیام روبانگ (William Robang) و لئونارد وینبرگ (Leonard Weinberg)، دانشمندان علوم سیاسی، در مورد وقایع دهه ۱۹۸۰م. انجام داده‌اند. بر اساس این تحقیقات، بیشتر وقایع تروریستی در کشورهای مردم‌سالار اتفاق افتاده و هم قربانیان و هم حمله‌کنندگان، شهروندان کشورهای مردم‌سالار بوده‌اند. بررسی موارد سال‌های ۱۹۷۵ تا ۱۹۹۷م. توسط کوآن لی (Coan Lee)، از محققان دانشگاه دولتی پنسیلوانیا، نشان داده است که اگر مشارکت سیاسی مردم‌سالاری بالا باشد، اعمال تروریستی کاهش می‌یابد؛ در عوض زمانی که لیبرال - دموکراسی نظارت بر مدیران اجرایی را افزایش می‌دهد، آمار حملات تروریستی افزایش پیدا می‌کند.

رابرت پپ (Robert Pipe) در کتاب خود با عنوان تلاش تا حد مرگ برای پیروزی: منطق استراتژیک تروریسم/انتحاری به یافته‌های جالبی رسیده است: نخست، هدف اصلی بمب‌گذاری‌های انتحاری تقریباً همیشه حکومت‌های مردم‌سالارند؛ دوم، انگیزه این گروه‌ها نبرد با اشغالگری یا کسب خودمختاری است. محرک اصلی تروریست‌ها ایجاد مردم‌سالاری نیست بلکه مخالفت آنان با تسلط بیگانه است. آماري که دولت آمریکا منتشر کرده است نیز حاکی از وجود ارتباط نزدیک میان تروریسم و وجود حکومت‌های استبدادی و تمامیت‌خواه نیست. بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۳م. براساس آمار و ارقام وزارت خارجه آمریکا که با عنوان «الگوهای تروریسم جهانی» منتشر شد، ۲۶۹ رویداد تروریستی عمده در سراسر جهان در کشورهای اتفاق افتاده که در طبقه‌بندی کشورهای آزاد دسته‌بندی شده‌اند؛ ۱۱۹ مورد در کشورهای نسبتاً آزاد و ۱۳۸ مورد در کشورهایی که آزادی در آنجا وجود ندارد (حمله یازده سپتامبر در این آمار به حساب نیامده چون این حملات از کشورهای دیگر ضدآمریکا صورت گرفته و خاستگاه آن آمریکا نبوده است). البته قصد این نیست که استدلال شود در کشورهای مردم‌سالار بروز

حملات تروریستی محتمل تراست؛ برعکس، این آمار و ارقام نشان می‌دهد که هیچ ارتباطی منطقی میان رویداد تروریستی در یک کشور و میزان آزادی در آن کشور وجود ندارد.

مطمئناً شواهدی وجود ندارد که نظام‌های مردم‌سالار نسبت به دیگر نظام‌های حکومتی، به میزان قابل توجهی کمتر در برابر تروریسم آسیب‌پذیر باشند. براساس داده‌های رسمی دولت ایالات متحده، بخش عمده‌ای از رویدادهای تروریستی در چند کشور محدود روی داده است. در حقیقت، نیمی از همه رویدادهای تروریستی که در کشورهای غیرآزاد اتفاق افتاده، در عراق و افغانستان بوده است. به نظر می‌رسد روند ایجاد مردم‌سالاری کمترین تأثیر را در کاهش اعمال تروریستی داشته است؛ حتی می‌توان ادعا کرد که همین روند ایجاد مردم‌سالاری در تشویق تروریسم هم مؤثر بوده است. در مورد کشورهای آزاد می‌توان گفت ۷۵ درصد اعمال تروریستی در کشور آزاد هند اتفاق افتاده است. حتی فرض را بر این می‌گذاریم که بعضی از گروه‌های تروریستی که در هند اعمال تروریستی انجام می‌دهند، در پاکستان شکل می‌گیرند؛ به‌ویژه این اعمال تروریستی در کشمیر روی می‌دهد. اما آمار به‌وضوح نشان می‌دهد که همه حمله‌کنندگان، خارجی نبوده‌اند. بخش عمده‌ای از حملات تروریستی هند در جاهایی غیر از کشمیر اتفاق می‌افتد؛ در حالی که هند یکی از قوی‌ترین نظام مردم‌سالاری جهان را دارد. بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۳ م. گزارش «الگوهای جهان تروریسم» نشان می‌دهد که ۲۰۳ حمله تروریستی بین‌المللی در هند اتفاق افتاده است، در حالی که در چین حتی یک مورد هم گزارش نشده است. همچنین، فهرست رویدادهای تروریستی بین ۱۹۷۶ تا سال ۲۰۰۴ م. که توسط «مؤسسه یادبود ملی آمریکا» گردآوری شده است، نشان می‌دهد تعداد رویدادهای تروریستی در هند ۴۰۰ مورد بوده و در چین از ۱۸ مورد تجاوز نکرده است (گرگوری، ۱۳۸۴).

گفته می‌شود که هر اندازه در یک جامعه اختناق کمتر باشد، محیط برای رشد تروریسم مساعدتر است؛ زیرا بر طبق یک قانون، محدودیت‌های کمتری دامن‌گیر شهروندان می‌شود و نه فقط شهروندان عادی بلکه گروه‌های مخرب نیز می‌توانند از آزادی و امکاناتی که در اختیار همه قرار دارد، در راه رسیدن به اهداف خود استفاده کنند و نیز آسیب‌پذیری حکومت در مقابل تروریسم بیشتر است. دقیقاً به همین دلیل است که در هیچ‌کدام از نظام‌های تمامیت‌خواه (توتالیتار) جهان مانند اتحاد جماهیر شوروی، چین، ویتنام، لیبی و ... هیچ‌گاه یک سازمان چریکی نتوانسته در درون کشور شکل بگیرد؛ زیرا کنترل مطلق بر تمام شئون اجتماعی و فردی از طرف دولت حاکم بوده و کوچک‌ترین حرکتی در نطفه خفه شده است (ماهیت تروریسم در ایران، ۱۳۸۱).

بروس هافمن (Hoffman, 2008)، استاد دانشگاه جورج تاون و عضو ارشد مرکز مقابله با تروریسم آکادمی نظامی ایالات متحده در وست پوینت، در بخشی از مقاله تحقیقاتی خود به این موارد اشاره می‌کند که: «تروریسم یعنی ایجاد و بهره‌برداری حساب شده از ترس، برای تغییر سیاسی است. بنابراین نمی‌توان انکار کرد که تروریسم شیوه‌ای از جنگ روانی است؛

گرچه غالباً مردم در حملات تروریست‌ها به شکل فجیعی کشته یا مجروح می‌شوند، تروریسم به اقتضای طبیعتش به صورتی طراحی شده است که تأثیرات روانی گسترده‌ای ورای قربانی(ها) یا هدف مستقیم خشونت آن داشته باشد. قصد تروریسم این است که در درون مخاطبی که هدف قرار می‌دهد، ترس ایجاد کند و به این وسیله از او زهر چشم بگیرد یا روی رفتار او تأثیر گذارد. مخاطبان هدف، بسته به اهداف، انگیزه‌ها و مقاصد تروریست‌ها، متفاوت هستند. هدف تروریسم ممکن است یک دولت ملی یا حزب سیاسی، یک گروه رقیب قومی یا مذهبی، کل یک کشور و شهروندان آن یا افکار بین‌المللی باشد. حمله تروریستی ممکن است بخش خاصی را مشخصاً مدنظر قرار دهد یا در ارتباط با مخاطبان متعددی طراحی شده باشد. هدف این است که تبلیغات حاصل از یک حمله تروریستی و توجهی که به عاملان آن جلب می‌شود، برای تروریست‌ها قدرت ایجاد می‌کند و محیطی مستعد بهره‌برداری از رعب و وحشت برای آن‌ها به وجود می‌آورد. به همین دلیل، موفقیت تروریسم را نمی‌توان صرفاً با معیارهای سنجش جنگ متداول مانند شمار کشته شدگان و میزان تجهیزات نظامی منهدم‌شده از دشمن یا قلمروی جغرافیایی تصرف شده اندازه‌گیری کرد، بلکه بهترین وسیله برای ارزیابی این موفقیت عبارت از توانایی تروریسم در جلب توجه به سمت تروریست‌ها، هدفشان و اثر روانی و تأثیرات مخربی است که تروریست‌ها امیدوارند بر مخاطبان هدف خود اعمال کنند.»

مفهوم تروریسم

در دو قرن اخیر ظهور ملی‌گرایی، آنارشیزم، مبارزات استقلال‌طلبانه، سوسیالیسم انقلابی و برخوردهای دوگانه، از جمله محرک‌هایی بودند که ملزومات شکل‌گیری تروریسم را فراهم آوردند. از سوی دیگر، چنین اقداماتی معمولاً به سبب اعتراض به نوعی بی‌عدالتی شکل می‌گیرد که می‌تواند ناشی از فقر، تبعیضات، سیطره بیگانگان، قوم‌گرایی افراطی یا نژادپرستی و در نهایت، هژمونی طلبی باشد. موضوع تروریسم، ناظر به یکی از معضلات جامعه بین‌المللی و نزدیک به سی سال است که در دستور کار سازمان ملل قرار دارد. قبل از سازمان ملل نیز سازمان هوایمایی جهانی به این مسئله پرداخته بود و کنوانسیون برای مقابله با تروریسم هوایی در چارچوب این سازمان تصویب شد. اما قدیمی‌ترین اصل بین‌المللی برای برخورد با تروریسم، «استرداد یا محاکمه» است که توسط هوگو گروسیوس در کتاب جنگ و صلح تشریح گردیده و در ادامه، به‌طور نسبی در هر معاهده یا قرارداد بین‌المللی مربوط به برخورد با تروریسم بین کشورها درج شده است (ممتاز، ۱۳۸۰).

در کنوانسیون‌های جهانی و میثاق‌های بین‌المللی از تعابیر مختلفی برای تعریف تروریسم استفاده شده است: در برخی اسناد، تروریسم به کشتن و حذف فیزیکی انسان‌ها بدون محاکمه عادلانه اطلاق شده است؛ در جای دیگر به جنایات سازمان‌یافته و برنامه‌ریزی شده برای

مصادره اموال عمومی یا نابودی انسان‌ها تعبیر شده و در اسناد دیگری، تروریسم به اقدامات خشونت‌آمیز و غیرقانونی برای دستیابی به اهداف نامشروع تعمیم داده شده است. در قطعنامه سازمان کنفرانس اسلامی «هرگونه عمل خشونت‌آمیز یا تهدیدکننده، به‌رغم مقاصد یا انگیزه‌هایی که بر آن مترتب است، به منظور اجرای طرح‌های جنایی با هدف سلب حق حیات انسان‌ها، ایجاد رعب و وحشت میان مردم، به خطر انداختن جان، حیثیت، آزادی، امنیت، حقوق مشروع انسانی یا آسیب رساندن به محیط زیست و برنامه‌ریزی برای دستیابی نامشروع به اموال عمومی و خصوصی، به خطر انداختن منابع ملی، تهدید صلح و ثبات جهانی، تهدید تمامیت ارضی، وحدت ملی و استقلال کشورها، تروریسم خوانده شده است» (واعظی، ۱۳۸۰).

دانشنامه بریتانیکا (2004)، تروریسم را «کاربرد نظام‌مند ارباب یا خشونت پیش‌بینی‌ناپذیر بر ضد حکومت‌ها، مردمان یا افراد برای دستیابی به یک هدف سیاسی» می‌داند.

در تعریف تروریسم می‌توان به تعریف پال پیلار (Pillar, 2001) نیز اشاره کرد که می‌گوید: «خشونت از پیش طراحی شده با جهت‌گیری سیاسی بر ضد اهداف غیرنظامی توسط گروه‌های خرده‌ملی و عوامل مخفی که معمولاً برای اثرگذاری بر مخاطبان به کار گرفته می‌شود». بنابراین، می‌توان گفت که تروریسم دارای چهار عنصر اساسی است: نخست، تروریسم عملی از پیش طراحی شده و ناشی از فکر و تصمیم عده‌ای که می‌خواهند آن را انجام دهند، است. دوم، این کنش‌ها دارای جهت‌گیری سیاسی است؛ مرتکبان این اعمال انگیزه‌های کلان دارند و می‌خواهند وضع موجود را تغییر دهند. عنصر سوم، قربانیان تروریست‌ها هستند که شامل افرادی‌اند که توانایی دفاع از خود را ندارند و چهارمین عنصر نیز در ارتباط با مرتکبان اعمال تروریستی است که از گروه‌های فراملی یا عوامل پنهانی هستند که کارشان از عملیات نظامی دولت‌ها و کاربرد آشکار نیروهای نظامی ضد اهداف نظامی متمایز است (هرسیج، ۱۳۸۰).

در فرهنگ روابط بین‌الملل آمده است: «تروریسم اعمال کسانی است که با استفاده از شیوه‌های توأم با خشونت و ترس، از جمله هواپیماربایی، گروگان‌گیری، بمب‌گذاری و سرقت بانک‌ها برای دستیابی به هدف‌های سیاسی‌شان می‌کوشند». از نظر انجمن حقوق بین‌الملل، «تروریسم شامل هرگونه تهدید فردی یا گروهی ضد افراد، سازمان‌ها، مکان‌ها، وسایل حمل و نقل مورد حمایت بین‌المللی و گروگان‌گیری در داخل یا خارج از سرزمین یک دولت است» (حقیقی صادقی، ۱۳۸۳).

کشورهای غربی، به‌ویژه آمریکا، در تعریف تروریسم، این واژه را به هرگونه عملیات خشونت‌آمیز تعمیم می‌دهند و اعمال خشونت‌آمیز در هر شکل و با هر انگیزه‌ای را مختل‌کننده امنیت و صلح جهانی قلمداد می‌کنند. از سوی دیگر، کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی و جنبش عدم تعهد، میان عملیات خشونت‌آمیز و مبارزه با تجاوز نظامی و اشغال سرزمین تمایز قائل‌اند و مشروعیت مبارزات مردم تحت استعمار و سلطه بیگانه را برای رهاسازی سرزمین‌های اشغال‌شده، به رسمیت می‌شناسند و میان امور و تروریسم جدایی قائل می‌شوند.

بنابراین، نوعی تعارض و تضاد در نگرش به تروریسم و تعریف جرم تروریستی میان کشورهای مختلف وجود دارد و دستگاه‌های سیاست خارجی هر کشور بنا به اولویت‌های منافع ملی خوش، تعریف مختلفی از آن را مدنظر قرار می‌دهند. از این‌روست که یکی از مشکلات عمده‌ای که در راه مبارزه با تروریسم وجود دارد، عدم اجماع در مفهوم آن است. حتی در آخرین قطعنامه‌ای که بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر توسط شورای امنیت صادر گردید، تعریف جامع و دقیقی از تروریسم ارائه نشد (واعظی، ۱۳۸۰).

مصادیق تروریسم تا آن حد مبهم است که پاره‌ای از افراد و گروه‌ها گاه به عنوان تروریسم و زمانی دیگر از مبارزان راه آزادی شناخته می‌شوند. رونالد ریگان در سال ۱۹۸۵م. در دیدار با مجاهدان افغان آنان را مبارزان راه آزادی و همچنین بنیان‌گذاران آمریکا خواند، ولی از سپتامبر ۲۰۰۱م. برخی از همین افراد و گروه‌ها توسط دولت آمریکا تروریست خوانده شدند. در سال ۱۹۸۵م. نلسون ماندلا، رهبر کنگره ملی آفریقا، به عنوان تروریست در زندان رژیم آفریقایی جنوبی زندانی بود، ولی بعداً به عنوان مبارز راه آزادی و نماد مخالفت با نژادپرستی، شایسته دریافت جایزه صلح نوبل می‌گردد (Martin, 2001).

آنچه در تعریف واژه ترور و تروریسم در تمام فرهنگ‌ها و جوامع دیده می‌شود، ترس و وحشتی است که از این عمل صادر می‌شود و به نوعی دیگر می‌توان گفت که یک عمل ناجوانمردانه‌ای است که توسط شخص یا اشخاص، گروه‌ها و یا دولت‌ها انجام می‌شود.

در این پژوهش، اقدام تروریستی به هرگونه عمل خشونت‌آمیز، تهدید، ایجاد ترس و وحشت از قبیله گروگان‌گیری، آدم‌ربایی ...، کشتار و مجروح کردن انسان‌ها- چه دشمنان و چه افراد بی‌گناه- و آسیب زدن به اموال عمومی، به صورت عمدی یا برنامه‌ریزی شده، اطلاق می‌گردد. هرچند ممکن است این اقدامات طبق ایدئولوژی یا سیاست‌های خاص یک کشور، در خصوص افراد، گروه‌ها یا کشورهای دوست و هم‌پیمان خود نادیده و یا حتی مورد تحسین قرار گیرد.

انواع تروریسم و اقدامات تروریستی

انواع تروریسم را می‌توان به «تروریسم دولتی»، «بین‌المللی»، «محلی» و «فراملی» تقسیم‌بندی کرد (هرسیچ، ۱۳۸۰).

«تروریسم دولتی» (state terrorism): در این نوع تروریسم، سازمان‌های دولتی و حکومتی، خود به کشتار شهروندان می‌پردازند و در این خصوص می‌توان به عملکرد رژیم‌های مستبد و تمامیت‌خواه در قبال شهروندان اشاره کرد.

«تروریسم بین‌المللی» (international terrorism): تروریست‌ها با پشتیبانی برخی از دولت‌ها عملیات تروریستی در دیگر کشورها انجام می‌دهند؛ از جمله این‌گونه عملیات، می‌توان به تسلیح ضدانقلابی‌های نیکاراگوئه در برابر مردم توسط آمریکا اشاره کرد.

«تروریسم محلی» (domestic terrorism): تروریست‌ها در داخل کشور خود بر ضد حکومت به عملیات تروریستی انجام می‌دهند.

تروریسم فراملی یا چندملیتی (transnational terrorism): تروریسمی که در قالب آن تروریست‌هایی از ملیت‌های مختلف در کشورها عملیات تروریستی انجام می‌دهند.

در تقسیم‌بندی دیگر، چامسکی و هرمن، بین تروریسم رسمی دولتی، که آن را «ترور گسترده» می‌نامند و ترور فردی یا خشونت محدود که آن را «ترور جزئی» می‌گویند، تفاوت قائل می‌شوند. این دو پژوهشگر معتقدند تمرکز رسانه‌ها بر ترور یا خشونت جزئی در واقع، تلاش در جهت توجیه خشونت عمده و گسترده‌ای است که ضد مخالفان حکومت در داخل و خارج اعمال می‌شود (بدی، ۱۳۷۸).

اقدامات تروریستی بسیار متنوع‌اند اما غالباً در چهار شکل بروز پیدا می‌کنند:

۱. به قتل رساندن؛

۲. بمب‌گذاری؛

۳. دستگیری افراد، آدم‌ربایی و گروگان‌گیری؛

۴. هواپیماربایی.

عمل تروریستی با عمل انقلابی‌ها و چریک‌ها اختلافاتی دارد، با این تفاوت که انقلابی‌ها برای رسیدن به اهداف سیاسی از روش‌های خشونت‌آمیز برای کشتار افراد بی‌گناه استفاده نمی‌کنند و قربانیان آن‌ها می‌توانند نیروهای اطلاعاتی و امنیتی رژیم حاکم باشد نه افراد بی‌گناه و عادی. تروریست‌ها برای رسیدن به هدف‌های خود از رزم‌آرایی گوناگونی استفاده می‌کنند. در طول سال‌های ۱۹۶۸ تا ۱۹۹۳ م. کارهای آنان عبارت از ۴۶ درصد بمب‌گذاری، ۲۲ درصد حمله، ۱۲ درصد هواپیماربایی، ۹/۵ درصد ترور، ۶ درصد آدم‌ربایی و ۱ درصد گروگان‌گیری بوده است (Hoffman, 1998).

بنابراین، عوامل اصلی در یک اقدام تروریستی عبارت‌اند از:

۱. تکرار: عنصر تکرار تروریسم را از خشونت‌های غیرنظام‌مند، سازماندهی نشده و انفرادی جدا می‌سازد. تکرار نشان‌دهنده وجود الگوی خاصی از خشونت در اجرای عملیات تروریستی است.

۲. انگیزه: هدف اغلب جنبش‌های تروریستی بین‌المللی، سیاسی است. یعنی خواستار اثرگذاری بر روند تصمیم‌گیری‌ها هستند و در بسیاری از موارد انگیزه اصلی توجه دادن قدرت‌های سیاسی و دولت‌ها به ناعدالتی‌های موجود است؛ از این‌رو، غالباً گروه‌های تروریستی مسئولیت اقدامات خود را برعهده می‌گیرند.

۳. **قصد:** قصد اصلی تروریست‌ها نفوذ در رفتار دیگران با اعمال خشونت است؛ بنابراین، از عواملی چون هراس و اضطراب برای افزایش جنبه‌های تبلیغاتی استفاده می‌شود.

۴. **عاملان:** همان ترتیب‌دهندگان این اقدامات هستند.

۵. **تأثیر:** تأثیر اقدامات تروریستی بر منافع بیش از یک دولت می‌تواند ملاکی برای تمایز اقدامات تروریستی داخلی، محلی و بین‌المللی باشد (بدی، ۱۳۷۸).

مواضع آمریکا و ایران در برابر تروریسم

از آنجایی که در این نوشتار اخبار مرتبط با ترور، پایگاه‌های خبری ایرنا و صدای آمریکا بررسی و تحلیل شده‌اند، بهتر است تا از مواضع و خط‌مشی‌های دو کشور ایران و ایالات متحده نیز در خصوص این موضوع آگاه شد. بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر، توماس فریدمن از نظریه‌پردازان آمریکایی، جنگ با تروریسم را «جنگ سوم جهانی» خواند؛ جنگی که نه پایانی برای آن متصور است و نه دشمن خاصی را هدف قرار می‌دهد بلکه هدفش، هر فرد، گروه یا کشوری خواهد بود که بخواهد منافع اقتصادی، سیاسی آمریکا را زیر سؤال ببرد. این سخن جرج بوش که: «آمریکا در ستیز با تروریسم شکست‌ناپذیر است و از این مبارزه پیروز بیرون خواهد آمد»، اعلام جنگ به طالبان و القاعده و هجوم به افغانستان و عراق، از این استراتژی مایه می‌گیرد که نومحافظه‌کاران در دستگاه رهبری آمریکا عهده‌دار به انجام رساندن آن شده‌اند (محمدی، ۱۳۸۲).

استراتژی آمریکا در ستیز با تروریسم بعد دیگری دارد و آن مبارزه با بنیادگرایی اسلامی و مهار کردن کشورهای است که از دید آمریکا در این راه گام برمی‌دارند. نومحافظه‌کاران بر این باورند که گسترش مردم‌سالاری و دیگر ارزش‌های غربی، صلح و ثبات را بر جهان به دنبال خواهد داشت. بر این پایه سیاست آمریکا برای مهار کردن بنیادگرایی، در راستای انتقال ایدئولوژی لیبرال-دموکراسی به کشورهای اسلامی است. طرح خاورمیانه بزرگ که توسط محافظه‌کاران در هرم قدرت آمریکا مطرح شده، دربرگیرنده کشورهای اسلامی است. آنچه بیشتر موجب نگرانی آمریکا و غرب می‌شود، رفتار سیاسی مسلمانان خاورمیانه است که از دگرگونی بنیادین فرهنگ و باورهای سیاسی-مذهبی آنان مایه می‌گیرد. شاخص این تحول پیدایش اسلام سیاسی در اندیشه و رفتار مسلمانان و بیداری آنان و رفتار جمعی بر پایه آموزه‌های دینی است که همین امر جلوی سیطره آمریکا را گرفته و سبب رویارویی با توسعه‌طلبی اسرائیل در خاورمیانه شده است. از دید سران آمریکا و اسرائیل، میدان اصلی نبرد جهانی مبارزه با تروریسم و بنیادگرایی، خاورمیانه است. محافظه‌کاران آمریکا اعلام کرده‌اند که استراتژی اصلی آن‌ها نبرد با تروریسم و بنیادگرایی، نوگرا کردن اسلام یا به تعبیری، دین‌سازی بر پایه دیدگاه آن‌هاست (ثریا، ۱۳۸۴).

جمهوری اسلامی ایران اهتمام ویژه‌ای جهت همکاری با جامعه جهانی در امر مبارزه با تروریسم دارد؛ اما کشورهای غربی و آمریکا برخورد دوگانه‌ای در خصوص تروریسم دارند که نمونه‌های آن شامل فعالیت گسترده اعضای گروه‌های تروریستی در کشورها و ارتباط فعال این گروه‌های تروریستی با شخصیت‌های سیاسی این کشورها و همچنین، نقش برخی دولت‌ها و سرویس‌های اطلاعاتی غربی در حمایت از جریانات تروریستی فعال ضدجمهوری اسلامی ایران است (واکنش ایران به گزارش ... همشهری آنلاین، بی‌تا).

در ایران نگاه به پدیده تروریسم از یک اجماع واحد پیروی می‌کند. در میان مردم و نخبگان، شناخت این پدیده شوم از یک تجربه تلخ سرچشمه می‌گیرد؛ زیرا تروریسم چهره خشن و بدون ترحم خود را آشکارا به آنان نمایانده است. تروریسم در ایران به دو دلیل در میان افکار عمومی جهان مغفول و ناشناخته مانده است: اول، به دلیل رویکرد تبعیض‌آمیز دولت‌های آنان نسبت به تروریسم و دوم، به دلیل تبلیغات عوام‌فریبانه تروریست‌ها که حتی سیاست‌مداران را نیز هدف قرار داده است (ماهیت تروریسم در ایران، ۱۳۸۱). کالبدشکافی عوامل متعارف بروز بحران‌ها و تلاطم‌های سیاسی و اجتماعی، کمک بسیار بزرگی در شناخت پدیده تروریسم در ایران خواهد کرد.

یافته‌های تحقیق

به منظور آزمون سؤالات تحقیق و یافتن پاسخی برای هریک از این سؤالات، آزمون کای اسکوتر انجام گردید که در این بخش، اطلاعات حاصل از آزمون‌های مربوط به هریک از این سؤالات، در قالب جداول دو بُعدی ارائه می‌شود.

جدول ۱ مقایسه پایگاه‌های ایرنا و صدای آمریکا بر حسب «تاریخ انتشار مطلب» طی سال‌های ۲۰۰۲-۲۰۰۷ میلادی

جمع	صدای آمریکا	ایرنا	سال انتشار مطلب	
			نام پایگاه	
۵۰	۳۰	۲۰	فراوانی	۲۰۰۲ م.
۱۰۰	۶۰	۴۰	درصدستونی	
۳۱	۱۴	۱۷	فراوانی	۲۰۰۳ م.
۱۰۰	۴۵/۲	۵۴/۸	درصدستونی	
۴۱	۲۶	۱۵	فراوانی	۲۰۰۴ م.
۱۰۰	۶۳/۴	۳۶/۶	درصدستونی	
۴۲	۲۸	۱۴	فراوانی	۲۰۰۵ م.
۱۰۰	۶۶/۷	۳۳/۳	درصدستونی	
۳۴	۱۵	۱۹	فراوانی	۲۰۰۶ م.
۱۰۰	۴۴/۱	۵۵/۹	درصدستونی	
۳۸	۲۱	۱۷	فراوانی	۲۰۰۷ م.
۱۰۰	۵۵/۳	۴۴/۷	درصدستونی	
۲۳۶	۱۳۴	۱۰۲	فراوانی	جمع
۱۰۰	۵۶/۸	۴۳/۲	درصدستونی	

یافته‌های جدول ۱ نشان می‌دهد که بیشترین اخبار مرتبط با تروریسم در پایگاه‌های ایرنا و بخش فارسی صدای آمریکا متعلق به سال ۲۰۰۲م. است. این میزان برای صدای آمریکا ۶۰ درصد و برای ایرنا ۴۰ درصد است. خبرهای مرتبط با تروریسم در دو پایگاه مورد بررسی در سال ۲۰۰۳م. نسبت به پنج سال دیگر کمتر بوده است. این میزان برای پایگاه صدای آمریکا ۴۵/۲ درصد و برای پایگاه ایرنا ۵۴/۸ درصد است.

جدول ۲ مقایسه پایگاه‌های ایرنا و صدای آمریکا بر حسب «حوزه جغرافیایی ترور»

نام پایگاه	حوزه جغرافیایی ترور			صدای آمریکا	جمع
	خاورمیانه	اروپا	آفریقا	آمریکا	آسیا
فراوانی	۳۸	۸۴	۱۲۲	۳۷/۳	۵۱/۷
درصد ستونی	۲۴	۱۴	۲	۱۰/۴	۱۶/۱
فراوانی	۱	۱	۱	۰/۷	۰/۸
درصد ستونی	۱۶	۲۴	۴۰	۱۷/۹	۱۶/۹
فراوانی	۱۳	۶	۱۹	۱۳۴	۱۰۲
درصد ستونی	۱۲/۷	۴/۵	۸/۱	۳/۷	۹/۸
فراوانی	۱۰	۵	۱۵	۱۰۲	۱۳۴
درصد ستونی	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

$$X^2 = 21.885$$

$$df = 5$$

$$Sig = 001$$

در این جدول، منطقه خاورمیانه از لحاظ حوزه جغرافیایی اقدام تروریستی، حائز رتبه نخست است که این میزان برای پایگاه ایرنا، ۳۷/۳ درصد و برای پایگاه صدای آمریکا ۶۲/۷ درصد است. پس از خاورمیانه، بیشترین اخبار مربوط به اقدام تروریستی، در خاک ایالات متحده آمریکا است. این میزان در پایگاه ایرنا ۱۵/۷ درصد و در پایگاه صدای آمریکا ۱۷/۹ درصد بوده است. در خصوص اقدام تروریستی در خاک اروپا، ایرنا ۲۳/۵ درصد و صدای آمریکا ۱۰/۴ درصد را به خود اختصاص داده اند. به طور کلی سهم آسیا نیز در پایگاه ایرنا ۱۲/۷ درصد و در پایگاه صدای آمریکا ۴/۵ درصد است.

جدول ۳ مقایسه پایگاه‌های ایرنا و صدای آمریکا بر حسب «نوع عملیات تروریستی»

نوع عملیات تروریستی	نام پایگاه	ایرنا	صدای آمریکا	جمع
دولتی	فراوانی	۲	۰	۲
	درصد ستونی	۲	۰	۰/۸
محلی	فراوانی	۱۶	۳۶	۵۲
	درصد ستونی	۱۵/۷	۲۶/۹	۲۲
بین‌المللی	فراوانی	۳۰	۱۶	۴۶
	درصد ستونی	۲۹/۴	۱۱/۹	۱۹/۵
فراملی	فراوانی	۵۴	۸۲	۱۳۶
	درصد ستونی	۵۲/۹	۶۱/۲	۵۷/۶
جمع	فراوانی	۱۰۲	۱۳۴	۲۳۶
	درصد ستونی	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

$X^2=15.667$

df=3

Sig=001

بر اساس جدول ۳، در مورد عمل تروریستی فراملی، این میزان برای ایرنا ۵۲/۹ درصد و برای پایگاه صدای آمریکا ۶۱/۲ درصد بوده است. عملیات تروریستی به صورت محلی حائز رتبه دوم است که میزان آن برای ایرنا ۱۵/۷ درصد و برای پایگاه صدای آمریکا برابر با ۲۶/۹ درصد است. ۲۹/۴ درصد اخبار ایرنا و ۱۱/۹ درصد خبرهای صدای آمریکا، به بین‌المللی بودن اقدام تروریستی می‌پردازند. کمترین خبرها نیز به عملیات تروریستی دولتی اشاره داشته است.

۱۶۰

جدول ۴ مقایسه سایت‌های ایرنا و صدای آمریکا بر حسب «انگیزه تروریست‌ها»

انگیزه تروریست‌ها	نام پایگاه	ایرنا	صدای آمریکا	جمع
سیاسی	فراوانی	۴۷	۴۳	۹۰
	درصد ستونی	۴۶/۱	۳۲/۱	۳۸/۱
انتقام‌گیری	فراوانی	۷	۵	۱۲
	درصد ستونی	۶/۹	۳/۷	۵/۱
سیاسی و مذهبی	فراوانی	۱۴	۳۸	۵۲
	درصد ستونی	۱۳/۷	۲۸/۴	۲۲
این متغیر در خبرها وجود ندارد	فراوانی	۳۴	۴۸	۸۲
	درصد ستونی	۳۳/۳	۳۵/۸	۳۴/۷
	فراوانی	۱۰۲	۱۳۴	۲۳۶

جمع	درصد ستونی	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
		Sig= .020	df= 3	X ² = 9.820

یافته‌های این جدول نشان می‌دهد که در خبرهای منتشرشده از دو پایگاه خبرگزاری جمهوری اسلامی و صدای آمریکا، ۳۸/۱ درصد از خبرها بر این نکته پافشاری می‌کنند که انگیزه تروریست‌ها از انجام اقدامات خراب‌کارانه و یا کشته و مجروح کردن افراد، انگیزه سیاسی است؛ انگیزه‌های سیاسی و مذهبی، ۲۲ درصد از کل خبرها را شامل می‌شود که این میزان در خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران ۱۳/۷ درصد و در صدای آمریکا ۲۸/۴ درصد بوده است. ۵/۱ درصد از اخبار نیز انتقام‌گیری را انگیزه تروریست‌ها معرفی می‌کنند؛ میزان آن در خبرگزاری جمهوری اسلامی ۶/۹ درصد و در صدای آمریکا، ۳/۷ درصد بوده است.

جدول ۵ مقایسه پایگاه‌های ایرنا و صدای آمریکا بر حسب «عوامل ترور»

عوامل ترور	نام پایگاه	ایرنا	صدای آمریکا	جمع
شبکه القاعده	فراوانی	۲۵	۶۱	۸۶
	درصد ستونی	۲۴	۴۵/۵	۳۶/۴
رژیم اسرائیل	فراوانی	۵	۲	۷
	درصد ستونی	۵/۷	۱/۵	۳
مخالفان حکومتی در کشورهای مختلف	فراوانی	۱۳	۲۳	۳۹
	درصد ستونی	۱۲/۷	۱۷	۱۶/۵
آمریکا	فراوانی	۱۳	۰	۱۰
	درصد ستونی	۱۲/۷	۰	۴/۲
گروهک‌های تروریستی در ایران	فراوانی	۳	۱۲	۱۵
	درصد ستونی	۲/۹	۹	۶/۴
این متغیر در خبرها وجود ندارد	فراوانی	۴۳	۳۶	۷۹
	درصد ستونی	۴۲	۲۷	۳۳/۵
جمع	فراوانی	۱۰۲	۱۳۴	۲۳۶
	درصد ستونی	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

X²= 30.508

df= 6

Sig= 0

در جدول ۵، از اخبار دو پایگاه مورد بررسی، ۳۶/۴ درصد از خبرها از شبکه القاعده به عنوان عاملان ترور نام برده‌اند که میزان آن در پایگاه صدای آمریکا حدود دو برابر خبرگزاری جمهوری اسلامی بوده است. ۱۶/۵ درصد از اخبار، مخالفان حکومتی را به عنوان عوامل ترور معرفی می‌کنند. تروریست بودن رژیم اسرائیل در خبرگزاری جمهوری اسلامی به میزان چهار برابر صدای آمریکا بوده است. ۱۲/۷ درصد از اخبار ایرنا از ایالات متحده به عنوان عامل ترور نام می‌برد. تروریست بودن گروهک‌ها نیز در ایران ۶/۴ درصد از خبرها را شامل می‌شود که میزان آن در پایگاه صدای آمریکا ۹ درصد و در خبرگزاری جمهوری اسلامی ۲/۹ درصد بوده است.

جدول ۶ مقایسه پایگاه‌های ایرنا و صدای آمریکا برحسب «پیامد عملیات تروریستی»

جمع	صدای آمریکا	ایرنا	نام پایگاه	
			پیامدهای عملیات تروریستی	
۵	۵	۰	فراوانی	خسارت‌های مادی
			درصد ستونی	
۲/۱	۳/۷	۰		
۹۵	۷۰	۲۵	فراوانی	خسارت‌های جانی
			درصد ستونی	
۴۰/۳	۵۲/۲	۲۴/۵		
۳۲	۲۱	۱۱	فراوانی	خسارت‌های مادی و جانی
			درصد ستونی	
۱۳/۶	۱۵/۷	۱۰/۸		
۱۰۴	۳۸	۶۶	فراوانی	این متغیر در خبرها وجود ندارد
			درصد ستونی	
۴۴/۱	۲۸/۴	۶۴/۷		
۲۳۶	۱۳۴	۱۰۲	فراوانی	جمع
			درصد ستونی	
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰		

$X^2 = 33.252$

df= 3

Sig= 0

۱۶۲

سال بیستم / شماره ۴

در این جدول، خسارت‌های جانی، یکی از پیامدهای اقدام تروریستی، بررسی شده است که این گزینه ۴۰/۳ درصد از کل اخبار مورد بررسی را در بر می‌گیرد؛ این میزان در پایگاه صدای آمریکا حدود دو برابر پایگاه خبرگزاری جمهوری اسلامی بازتاب داشته است. خسارت‌های جانی و مالی به‌طور ترکیبی، ۱۳/۶ درصد خبرها را شامل می‌شود. خسارت‌های مالی نیز بدون هیچ بازتابی در خبرگزاری جمهوری اسلامی، به میزان ۳/۷ درصد در پایگاه صدای آمریکا منتشر شده است.

جدول ۷ مقایسه پایگاه‌های ایرنا و صدای آمریکا بر حسب «شیوه عمل تروریستی»

جمع	صدای آمریکا	ایرنا	نام پایگاه	
			شیوه عمل تروریستی	
۸۰	۵۸	۲۲	فراوانی	بمب‌گذاری
۳۳/۹	۴۳/۳	۲۱/۶	درصد ستونی	
۶۵	۴۰	۲۵	فراوانی	حمله به افراد
۲۷/۵	۲۹/۹	۲۴/۵	درصد ستونی	
۱۳	۶	۷	فراوانی	هواپیماربایی
۵/۵	۴/۵	۶/۹	درصد ستونی	
۵	۵	۰	فراوانی	گروگان‌گیری و آدم‌ربایی
۲/۱	۳/۷	۰	درصد ستونی	
۷۳	۲۵	۴۸	فراوانی	این متغیر در خبرها وجود ندارد
۳۰/۹	۱۸/۷	۴۷/۱	درصد ستونی	
۲۳۶	۱۳۴	۱۰۲	فراوانی	جمع
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	درصد ستونی	

$X^2=28.164$

df= 4

Sig= 0

جدول ۷، شیوه عمل تروریستی را در بخش فارسی پایگاه‌های ایرنا و صدای آمریکا بازتاب می‌دهد. ۴۳/۳ درصد اخبار در پایگاه صدای آمریکا و ۲۱/۶ درصد در پایگاه ایرنا، عمل تروریستی به صورت بمب‌گذاری را بازتاب داده‌اند. میزان خبرهای «حمله به افراد» برای ایرنا ۲۴/۵ درصد و برای پایگاه صدای آمریکا ۲۹/۹ درصد بوده است. شیوه هواپیماربایی نوع دیگری از اقدام تروریستی است که میزان آن در صدای آمریکا ۴/۵ درصد و در ایرنا ۶/۹ درصد است. ایرنا در خبرهای خود هیچ‌گونه اشاره‌ای به آدم‌ربایی و گروگان‌گیری نکرده، درحالی‌که صدای آمریکا با ۳/۷ درصد، این نوع از عملیات تروریستی را در اخبار خود برجسته کرده است.

جدول ۸ مقایسه پایگاه‌های ایرنا و صدای آمریکا بر حسب «بار القایی مطلب»

نام پایگاه	ایرنا	صدای آمریکا	جمع	بار القایی مطلب	
				اسلام‌گرا بودن تروریست‌ها	بنیادگرا بودن تروریست‌ها
فراوانی	۱۸	۵۰	۶۸		
درصد ستونی	۱۷/۶	۳۷/۳	۲۸/۸		
فراوانی	۹	۱۸	۲۷		
درصد ستونی	۸/۸	۱۳/۴	۱۱/۴		
فراوانی	۲	۱	۳		
درصد ستونی	۲	۰/۷	۱/۳		
فراوانی	۷۳	۶۵	۱۳۸		
درصد ستونی	۷۱/۶	۴۸/۵	۵۸/۵		
فراوانی	۱۰۲	۱۳۴	۲۳۶		
درصد ستونی	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰		

$X^2 = 14.789$

df= 3

Sig= .002

۱۶۴

شماره ۴ / سال بیستم / مجله

معرفی تروریست‌ها به عنوان اسلام‌گراها در پایگاه صدای آمریکا بیش از دو برابر خبرگزاری جمهوری اسلامی است؛ این میزان در صدای آمریکا ۳۷/۳ درصد و در ایرنا ۱۷/۶ درصد است. بنیادگرا بودن تروریست‌ها در صدای آمریکا ۱۳/۴ درصد و در خبرگزاری جمهوری اسلامی ۸/۸ درصد می‌باشد. همچنین، تروریست بودن رژیم اسرائیل نیز در صدای آمریکا ۰/۷ درصد و در ایرنا ۲ درصد بوده است.

بر اساس اطلاعات به‌دست‌آمده از جدول ۹، میزان اخبار در خصوص افزایش تدابیر امنیتی به عنوان یکی از راهکارهای مبارزه با ترور و تروریست‌ها، برای پایگاه ایرنا ۳۴/۳ درصد و برای پایگاه صدای آمریکا ۴۵/۵ درصد است. ۲۳/۵ درصد خبرهای ایرنا و ۱۰/۴ درصد از اخبار پایگاه صدای آمریکا بر همکاری کشورها با یکدیگر در مبارزه با ترور تأکید دارند. عدم دخالت در امور داخلی کشورها نیز به عنوان یکی از راهکارهای مبارزه با ترور نام برده شده است که میزان آن در خبرگزاری جمهوری اسلامی ۲۵/۵ درصد - حدود هفت برابر پایگاه صدای آمریکا - بوده است.

جدول ۹ مقایسه پایگاه‌های ایرنا و صدای آمریکا بر حسب «راهکار مبارزه با ترور»

نام پایگاه	ایرنا	صدای آمریکا	جمع	راهکار مبارزه با ترور	
				فراوانی	قطع منابع مالی تروریست‌ها
فراوانی	۳	۰	۳		
درصد ستونی	۲/۹	۰	۱/۳		
فراوانی	۳۵	۶۱	۹۶		افزایش تدابیر امنیتی
درصد ستونی	۳۴/۳	۴۵/۵	۴۰/۷		
فراوانی	۲۶	۵	۳۱		عدم دخالت کشورها در امور داخلی دیگر کشورها
درصد ستونی	۲۵/۵	۳/۷	۱۳/۱		
فراوانی	۲۴	۱۴	۳۸		همکاری کشورها با یکدیگر در مبارزه با ترور
درصد ستونی	۲۳/۵	۱۰/۴	۱۶/۱		
فراوانی	۵	۲۲	۲۷		اقدام نظامی
درصد ستونی	۴/۹	۱۶/۴	۱۱/۴		
فراوانی	۹	۳۲	۴۱		این متغیر در خبرها وجود ندارد
درصد ستونی	۸/۸	۲۳/۹	۱۷/۴		
فراوانی	۱۰۲	۱۳۴	۲۳۶		جمع
درصد ستونی	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰		

$X^2= 47.031$

df= 5

Sig= 0

۱۶۵

بررسی تطبیق اخبار مرتبط با تروریسم در ...

نتیجه‌گیری

تاکنون، هیچ تعریف جامع و مانعی در باب ماهیت تروریسم ارائه نشده است که محققان، متخصصان و صاحب‌نظران این حوزه روی آن اتفاق نظر داشته باشند؛ اما این افراد در مورد ویژگی منحصر به فرد آن، نسبت به پدیده‌های سیاسی دیگر، اتفاق نظر دارند. یعنی اینکه تروریسم همیشه همراه با «ترس و وحشت» و تهدید به خشونت است. آنچه در تعریف واژه ترور و تروریسم در تمام فرهنگ‌ها دیده می‌شود، ترس و وحشتی است که از این عمل صادر

می‌شود و به نوعی دیگر، می‌توان گفت عملی است که توسط شخص یا اشخاص و گروه یا گروه‌هایی و یا دولت‌ها انجام می‌شود.

رشد تروریسم فراملیتی به دلیل توسعه ارتباطات است که مرزهای ملی دیگر مانع عمده‌ای به حساب نمی‌آیند و سازمان‌ها و نهادهای فراملی و فروملی قدرت بیشتری یافته‌اند. به این سبب جهانی شدن فرصت‌هایی را برای اقدامات تروریستی فراملی فراهم آورده است. بنابراین، شکل جدیدی از تروریسم که در آن تروریست‌ها از ملیت‌های مختلف عملیات تروریستی انجام می‌دهند، بروز یافته است.

در بررسی حوزه جغرافیایی ترور در پایگاه‌های ایرنا و صدای آمریکا، منطقه خاورمیانه به لحاظ تعداد عمل تروریستی، بیشترین میزان را نسبت به دیگر نقاط دنیا به خود اختصاص داده است؛ این میزان برای پایگاه خبرگزاری جمهوری اسلامی ۳۷ درصد و در صدای آمریکا ۶۲ درصد است. پس از خاورمیانه، مناطق آمریکا، اروپا و آسیا به ترتیب شاهد بیشترین اقدامات تروریستی هستند. یافته‌های این تحقیق گویای آن است که تروریسم محدود به یک قاره، کشور و منطقه جغرافیای خاص نیست، اما مناطقی هستند که تروریسم در آن‌ها شدت بیشتری دارد.

انگیزه سیاسی تروریست‌ها نیز نشان از آن دارد که تروریسم میان مدعیان قدرت، که یکی از آن‌ها ضعیف و دیگری قوی است، اتفاق می‌افتد و مبارزه به سبب کسب قدرت و یا نوعی اعتراض از طریق ارعاب و وحشت است و همچنین، می‌تواند نوعی ضربه مهلک به منظور نفوذ بر یک قدرت سیاسی باشد. مرتکبان این اعمال آگاهانه و با استفاده از طرح قبلی انگیزه‌های کلانی را دنبال می‌کنند و می‌خواهند وضع موجود را تغییر دهند. اینکه صدای آمریکا (۲۸ درصد) بیشتر از ایرنا (۱۳ درصد) انگیزه‌های مذهبی را یکی از محرک‌های تروریست‌ها از این اقدام معرفی می‌کند، در وهله اول نشان‌دهنده این است که نوعی تعارض در نگرش به تروریسم و جرم تروریستی میان کشورهای مختلف وجود دارد و در وهله دوم، حاکی از آن است که دستگاه‌های سیاست خارجی هر کشوری بنا به اولویت‌های منافع ملی خود، تعاریف مختلفی از آن دارد. به رغم تأکید صدای آمریکا در مورد انگیزه مذهبی داشتن تروریست‌ها، رابرت پیپ معتقد است که تعلیمات مذهبی عامل مؤثر در افراط‌گرایی حمله‌کننده‌ها به شمار نمی‌رود. در نهایت، اینکه انگیزه تروریست‌ها از انتقام تروریستی می‌تواند نوعی تبلیغ برای حرکت و جنبش آن‌ها باشد.

در این مورد، یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که ۴۶ درصد از خبرهای ایرنا و ۳۲ درصد از خبرهای صدای آمریکا بر این نکته پافشاری می‌کنند که انگیزه تروریست‌ها از انجام اقدامات خرابکارانه و یا کشته و مجروح کردن افراد، انگیزه‌ای سیاسی است.

در خصوص «عوامل ترور» پاره‌ای از افراد و گروه‌ها گاه به عنوان تروریست و زمانی دیگر به عنوان مبارزان راه آزادی شناخته می‌شوند؛ نمونه بارز آن گروه القاعده است که امروزه توسط ایالات متحده «خطرناک‌ترین گروه تروریستی» شناخته می‌شود؛ در حالی که زمانی ایالات

متحدۀ مجاهدان افغان را «مبارزان آزادی» می‌نامید. این تلقی در مورد فلسطینیان و رژیم اسرائیل هم مصداق دارد. پایگاه خبرگزاری جمهوری اسلامی، فلسطینی‌ها را قربانیان تروریسم ولی پایگاه صدای آمریکا، مبارزان فلسطین و حزب ا... لبنان را عوامل تروریسم و اسرائیل را قربانی تروریسم معرفی می‌کند. این امر از بارزترین نمونه اختلاف‌نظر در مورد پدیدۀ تروریسم در جهان امروز به‌شمار می‌رود.

در خبرهای دو پایگاه مورد بررسی، «شبکه القاعده» به عنوان بزرگ‌ترین عامل تروریستی معرفی شده است که میزان آن در پایگاه صدای آمریکا ۴۵ درصد و در ایرنا ۲۴ درصد بوده است. در این پژوهش «خسارت‌های جانی» به‌عنوان یکی از پیامدهای اقدام تروریستی بررسی شد که این میزان در پایگاه صدای آمریکا حدود دو برابر ایرنا انعکاس داشته است.

«بمب‌گذاری» نیز یکی از شیوه‌های عملیات تروریستی است که بیشترین خبرها را نسبت به دیگر شیوه‌ها شامل می‌شود؛ میزان آن در ایرنا ۲۱ درصد و در صدای آمریکا ۴۳ درصد است. در نهایت، «تشدید تدابیر امنیتی» به عنوان یکی از مهم‌ترین اقدامات بازدارنده در برابر تروریست‌ها معرفی شده است که میزان آن در خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۳۴ درصد و در پایگاه صدای آمریکا، ۴۵ درصد است.

گفته شد که تروریسم در بسترهای سیاسی متفاوت و با انگیزه‌های متفاوت شکل می‌گیرد؛ از دیدگاه غربی، تروریسم جدید یک تهدید خارجی محسوب می‌شود. از این دیدگاه ریشه اصلی شکل‌گیری تروریسم جدید، وجود تضادهای فرهنگی، مذهبی، ایدئولوژی و سیاسی بین غرب و جهان اسلام است. برخلاف این دیدگاه، مطالعات نشان داده‌اند که اکثریت بزرگی از تروریست‌های القاعده اعتقادات غیرمذهبی داشته‌اند. به علاوه تحقیقات دیگری نشان می‌دهند که گروه‌های تروریستی مختص و زاده کشورهای اسلامی نیست و می‌توان گفت گروه‌های تروریستی نظیر «جنبش دوم ژوئن»، «بادر ماینهوف» و ... معلول کشورهای غربی است.

در نهایت، داشتن اختلاف‌نظر در مفهوم و مصداق تروریسم و انگیزه‌های آن از نظر گروه‌ها و دیدگاه‌های مختلف، طبیعتاً عدم اجماع در راهکار مبارزه با تروریسم را نیز به دنبال دارد. ایالات متحده به بهانه مبارزه با تروریسم تاکنون به دو کشور خاورمیانه - عراق و افغانستان - لشکرکشی کرده است و همچنان بر افزایش تدابیر امنیتی و دخالت مستقیم نظامی در کشورهای دیگر تأکید دارد؛ درحالی که دولت‌های مردم‌سالار در مبارزه با تروریسم سعی می‌کنند زودتر دست به اسلحه نبرند.

منابع

بروجردی علوی، مهدخت (۱۳۸۰). *دروازه بانی خبر چیست و دروازه بانان کیستند*، روزنامه‌نگاری حرفه‌ای، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.

- بدی، توماس جی (۱۳۷۸). تروریسم بین‌المللی، ترجمه سیدرضا میرطاهر، مجله مطالعات راهبردی، ش ۶ و ۵.
- ثریا، جمشید (۱۳۸۴). آمریکا، تروریسم و بنیادگرایی، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۴ و ۳.
- حقیقی صادقی، دیدخت (۱۳۸۳)، نهضت‌های رهایی بخش ملی و تروریسم بین‌المللی از دید حقوق بین‌الملل، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۲ و ۱.
- دانشنامه بریتانیکا بازیابی ۱۰ مرداد ۱۳۸۹ از:
<http://www.britannica.com/EBchecked/topic/588371/terrorism>
- دفلور، ملوین؛ دنیس، اورت (۱۳۸۳). شناخت ارتباط جمعی، ترجمه سیروس مرادی، انتشارات سروش.
- سورین، ورنر؛ تانکارد، جیمز (۱۳۸۱). نظریه‌های ارتباطات، ترجمه علیرضا دهقان، انتشارات دانشگاه تهران.
- گرگوری، اف (۱۳۸۴). تروریسم و فقدان دموکراسی. ترجمه علیرضا عبادتی، بازیابی ۱۴ شهریور ۱۳۸۷، از:
<http://bashgah.net/pages-10911.html>
- ماهیت تروریسم در ایران. ۱۳۸۱، «ایران دیدبان»
<http://www.irandidban.com/master.asp?ID=02280>
- ممتاز، جمشید (۱۳۸۰). ابعاد حقوقی مقابله با تروریسم بین‌المللی، بولتن مرکز مطالعات عالی بین‌المللی دانشگاه تهران، سال دوم، ش ۱.
- محمدی، منوچهر (۱۳۸۲). استراتژی نظامی آمریکا بعد از ۱۱ سپتامبر. انتشارات سروش.
- واعظی، حسن (۱۳۸۰). تروریسم. نشر سروش.
- واکش ایران به گزارش وزارت خارجه آمریکا، همشهری آنلاین، بازیابی ۲۵ مرداد ۱۳۸۹ از:
<http://www.hamshahri.org/news-113513.aspx>
- هافمن، بروس (۲۰۰۸). شیوه‌ای از جنگ روانی. بازنمایی ۵ مهر ۱۳۸۷، از:
<http://www.america.gov/st/peacesec-persian/2008/April/20081007153955SrenoD0.165127.html>
- هرسیج، حسین (۱۳۸۰). رابطه عملیات تروریستی و سیاست‌های مداخله‌گرانه آمریکا. اطلاعات سیاسی - اقتصادی، انتشارات اطلاعات.
- Hoffman, Bruce (1998). *Inside Terrorism*, New york: Columbia University Press.
- Martin, William (2001). "Bin Laden and Mandela: Yesterday Freedom Fights, Today terrorism?" *Foreign Policy in focus*, September.
- Pillar, Pavl r.(2001). "errorism and us", Foreign Policy. Washington: The Brooking Insitution.